فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سال ششم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۸۷ – ۱۰۹

بررسی علل و پیامد تهاجم روسیه به حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام در سال ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م بر اساس اسناد نویافته

سید مسعود سید بنکدار[۱]
شهرزاد محمدی آیین[۲]

چکیده

در سال ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ش روسیه تزاری به حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام تعرض کرد. این اقدام متجاوزانه تعدی علنی و عمدی به حقوق و احساسات مذهبی ملت ایران بود و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زیادی به همراه داشت. این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است. چرا حکومت مرکزی از ایجاد آشوب جلوگیری نکرد؟ مقدار خسارات وارده به حرم مطهر چقدر بود؟ اهداف روس‌ها از ایجاد این بحران چه بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ضعف دولت مرکزی در مقابل روس‌ها و همدستی حاکم و رئیس نظمیه مشهد و متولی آستانه با آنها موجب شد که دولت نتواند از ایجاد این بحران جلوگیری کند. هدف روس‌ها از ایجاد این آشوب، نمایش ضعف حاکم محلی و دولت مرکزی در برقراری نظم و امنیت و ایجاد جو ترس و وحشت به منظور عقب نشینی مشروطه خواهان و براندازی نظام مشروطه بود. در این ماجرا مقادیری از اموال حرم مفقود و تخریب شد و شماری از مردم زخمی و کشته شدند. روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و تطبیق و تحلیل منابع موجود، بوده است. بیشتر اسناد استفاده شده در این مقاله، متعلق به آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مشهور به اِستادوخ(estādux) است. اسناد مذکور برای نخستین بار جهت پژوهش از آرشیو استخراج و استفاده شده است.

واژگان کلیدی: بریتانیا، بمباران حرم، حرم امام رضا علیه‌السلام، روسیه، یوسف هراتی.

---

۱. استادیار گروه تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول). Sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir
۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی. shahrzadmohammadiaeen@yahoo.com
دریافت: ۹۵/۰۹/۲۰؛ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

مقدمه

حرم مطهر امام رضاؑ و خزانهٔ آن در دوره قاجار، دو بار مورد تعدی قرار گرفت. نخست در دوره محمدشاه که حسنخان معروف به سالار، فرزند اللهیارخان آصف‌الدوله به جای پدرش به حکومت خراسان منصوب شد و علیه حکومت مرکزی شورشید. شورش او تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه ادامه یافت و سالار برای تأمین مخارج سپاه خود، به اموال و خزانه حرم مطهر امام رضاؑ دستبرد زد. دومین بار پس از اولتیماتوم روسیه به دولت ایران بود که روس‌ها از سیاست خشونت‌آمیز خود دست برنداشته و تعداد زیادی قشون وارد مناطق شمالی ایران کردند. زیرا طبق قرارداد ۱۹۰۷م شمال ایران، منطقه نفوذ روس‌ها بود. در پی اولتیماتوم روسیه به ایران، در ایالات گیلان، تبریز و مشهد، آزادی خواهان علیه نفوذ و دخالت روسیه در امور داخلی ایران، مبارزه گسترده‌ای را آغاز کردند. در مشهد هم که از این هیجانات برکنار نبود، مشروطه خواهان، حرم امام رضاؑ را برای مبارزه، مأمن خود قرار دادند. دولت روسیه برای جلوگیری از وقوع انقلاب‌هایی نظیر تبریز و گیلان، قشون خود را وارد مشهد کرد و توطئه آشوب یوسف هراتی و سید محمد طالب الحق را طراحی کرد. روس‌ها در پی این فاجعه ادعا کردندکه نه تنها گلوله‌ای به گنبد و مرقد امام رضاؑ نخورده بلکه از اسباب آستانه هم چیزی به سرقت نرفته‌است. در این فاجعه عده‌ای از مردم بی‌گناه کشته و زخمی شدند و خسارات غیر قابل جبرانی به اموال و ابنیه حرم وارد شد و دولت روسیه تزاری حاکمیت سیاسی ایران را به طور آشکار نقض کرد و حتی در رسوم بست و امور مذهبی حرم نیز دخالت کرد.

تا کنون پژوهشهایی درباره حمله روس‌ها به حرم امام رضا انجام شده است. رسول جعفریان در مقاله "سندی ادبی از حمله روسها به حرم مطهر امام رضاؑ"، *مشکوه*، ۱۳۷۸، به بررسی اشعاری موجود در مجموعه‌ای مختصر به نام *مصیبت‌نامه* درباره بمباران حرم امام رضاؑ پرداخته است."حرم مطهر رضوی و رویدادهای مهم آن" مشکوه، ۱۳۸۰، مقاله دیگری است از ابراهیم زنگنه که تاریخ رخدادهای مرتبط با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

حرم امام رضاؑ را از دوره دیلمیان تا زمان حاضر بررسی کرده است. ابوالفضل حسن آبادی در مقاله "بررسی اسنادی از برآورد خسارات وارده به حرم رضوی در بمباران ۱۳۳۰ق" شمسه، ۱۳۸۹، معتقد است که به سبب ضعف حکومت مرکزی در ایران، برآورد خسارت‌های حرم رضوی تا سال۱۳۳۷ق، به تأخیر افتاد. اما اسناد آرشیو وزارت خارجه که برای نخستین بار بررسی شد، نشان داد که از جمادی الثانی ۱۳۳۰ق وزارت داخله کیفیت بمباران حرم و میزان خسارت‌ها و کشته‌های این واقعه را از طرف کارگزاری مشهد پیگیری کرده‌است. میثم جلالی درتحقیقی با عنوان "سنگ یادمان واقعه توپ بستن حرم امام رضاؑ"، مشکوه،۱۳۹۱، به بررسی و بازخوانی کتیبه و مشخصات سنگ یادمانی که پس از این واقعه حجاری و در حرم نصب شد، پرداخته است. این پژوهشگران هیچ یک، آثار تاریخی و ادبی بمباران حرم مطهر را بررسی نکرده‌اند. از این رو این پژوهش پیش رو، به لحاظ تبیین واقعه بمباران حرم امام رضاؑ توسط روسیه تزاری با استناد به اسناد نو یافته، جدید و مفید است.

غارت خزانه و موقوفات حرم امام رضاؑ توسط سالار در زمان ناصرالدین شاه

حسنخان، مشهور به سالاربار از سال۱۳٦٤ق که به جای پدرش اللهیارخان آصف‌الدوله به حکومت خراسان رسید علیه حکومت مرکزی و محمدشاه قاجار به مخالفت پرداخت (سپهر، ۲/ ۷۳). محمدشاه حکومت خراسان را به برادر خود حمزه میرزا واگذار کرد و او را با سپاهی راهی خراسان کرد. بین سپاه دو طرف درگیری‌هایی رخ داد، ولی سالار، هر بار پس از شکست به نواحی اطراف مشهد گریخت. در سال ۱۲٦٥ق دولت، حسام السلطنه عموی ناصرالدین شاه را با سپاه کافی به مشهد فرستاد. سالار به داخل مشهد عقب نشست و به سبب کمبود آذوقه و تجهیزات، تصمیم گرفت از موقوفات حرم مطهر رضوی و خزائن آن برای رفع احتیاجات لشکرش استفاده کند (همان، ۳/ ۷۵). سالار، شماری از مسئولان حرم از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

جمله میرزا صادق ناظر حرم و میرزا محمد تقی را زنـدانی کـرد. «لاجـرم سـالار...قنادیل و فضه و دیگـر ادوات و اوانـی زریـن و سـیمین را برگرفتـه و بـه دارالضـرب فرسـتاد. اگرچه مأخوذ او معادل۲۲۰۰۰ تومان زر مسکوک برآمـد، امـا بـدین جسـارت کـه کـرد بسیار از بدایع ودایع عرضه غارت شد» (همان، ۲۷۷/۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱٦٥/۳).

آغاز تحریکات روسیه در خراسان در دوره احمدشاه قاجار

روس‌ها از سال ۱۳۲۷ق تا ۱۳۳۰ق بر شمار نیروی نظـامی خـود در مشـهد افزودنـد. در ماه‌های آغازین سال ۱۳۲۷ ق و در حـین اسـتبداد صـغیر، جنـبش مشـروطه خـواهی در مشهد هم شروع شده بود. کابینـه دمـوکرات بـه سـبب اولتیمـاتوم ۱۹۱۱ م روسـیه و عزل شوستر و قتل عام مردم تبریز به توسط روس‌هـا، در خراسـان همچنـان پایـداری و مقاومت می‌کرد. «دابیژا» سرکنسول روسیه در مشـهد کـه طرفـدار سیاسـت امپریالیسـتی روسیه تزاری بود و به نفع محمدعلی شاه کار فعالیت می‌کـرد، خواسـتار اعمـال قـدرت مسلحانه بود به همین دلیل برای فرماندار ترکسـتان، «سامسـونوف» نوشـت کـه ایرانیـان آماده جهاد شده‌اند (*مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینـو بـه انضـمام وقـایع مشـهد*، ۱۲۱؛ کاظم‌زاده، ٦۳٦؛ سایکس، تاریخ ایـران، ٦۰۱/۲). از اول محـرم ۱۳۳۰ق قشـون سـواره و پیـاده روس بـا توپخانـه وارد مشـهد و در ارگ و سـربازخانه‌هـا مسـتقر شـدند (اسـتادوخ:۲۱۷,۱-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق). بـه همـین سـبب علمـای سـاکن عتبـات پـس از دریافت اخبار اشغال خراسان، به تهران تلگـراف زدنـد و آمـادگی خـود را بـرای ارسـال کمک اعلام کردند.

[٤صفر۱۳۳۰ق نمره۱۸۷]

تلگراف رمز مکرم السلطان به وزارت امورخارجه

«...حضوری حرکت دو سه نفر از آقایان عظام به محمـره لازم مـی‌دانـیم، اگـر صـلاح اسـت مسـاعدت کامـل خودتـان را فـوری اعـلام تـا سـریعاً حرکـت فرماینـد. عبـدالله مازندرانی - اسماعیل صـدرالدین - آیـت‌الله زاده خراسـانی - محمدحسـین مازنـدرانی - مکرم السلطان» (ترکمان، ۳۹٥)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

وثوق‌الدوله وزیر امورخارجه در پاسخ علما، تلگرافی ذیل را فرستاد:

[۵صفر۱۳۳۰ق] به کاظمین از تهران توسط حضرت آیت‌الله زاده خراسانی

«حضورآیات الله مدظلالهم بعد تلگراف های اخیره دایر به دلتنگی آقایان و خبر ضبط مشهد رسید. خبر مشهد به کلی دروغ ...مثل چند سال قبل قشون به عنوان حفظ اتباع وارد کردند عنقریب بر می‌گردند. همه قسم اقدام در اصلاح امور شده نتیجه مذاکرات هر چه شد اطلاع داده می‌شود که به عرض آقایان برسانید. وثوق‌الدوله» (همان، ۳۹٦).

کنسول روس، گروهی از بزرگان شهر را دعوت کرد و اظهار داشت که چون خراسان به واسطه درگیری مشروطه خواهان و استبداد طلبان مانند سایر ایالات، دچار آشوب و فتنه است این تعداد از قشون را برای حفظ رعایا و اتباع خود وارد نموده‌ایم و هدف دیگری نداریم (ادیب هروی، ۱۷۱؛ مدرس رضوی، ۲۲٦).

خازن الملک، نایب الایاله خراسان، در ضمن تلگرافی دخالت و دسیسه چینی روسیه و بریتانیا در حوادث مشهد را برای سفارت ایران، شرح داد. خراسان از جمله ایالت‌هایی بود که روسیه همواره در صدد ایجاد شرایطی نظیر آذربایجان و گیلان در آنجا بود. در نتیجه تحریکات روس‌ها در نهایت امنیت خراسان نیز مختل شد. سه ماه قبل از شروع آشوب یوسف هراتی، ریاست قشون و نیابت ایالت خراسان بر عهده شخص آگاه و باتجربه‌ای به نام سردارسعید بود. کنسول روس که با حضور سردار سعید، در ایجاد آشوب ناکام بود، به کمک کنسول بریتانیا، عزل و تغییر او را از دولت ایران خواستار شد (استادوخ:۲۱۷,۱-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق).

به راه انداختن توطئه یوسف خان هراتی و سید محمد طالب الحق، یکی دیگر از اقدامات مأمورین سیاسی و نظامی روسیه ،پس از قتل عام تبریز و اولتیماتوم ۱۳۲۹ق، برای اجرای مفاد قرارداد ۱۹۰۷ م در شمال ایران و مداخله مستقیم نظامی در مناطق تحت نفوذ از جمله مشهد، بود (کمال‌زاده، ۱۷۳؛ بهار، ذ۱۵/۱). روس ها ابتدا افراد شرور و ماجراجو را به ایجاد آشوب و بلوا تحریک کردند و سپس به بهانه حفظ

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

جان و مال اتباع خود، مداخله نظامی کردند و به دنبال این سیاست در ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق با کمک اشرار در خراسان، آشوب برپا کردند (مهدوی، ۳۳۷؛ بهار، ۱۵/۱). یوسف هراتی از اتباع افغانستان و سال‌های زیادی در افغانستان خبرنگارِ مستخدمِ روس‌ها بود. سیدمحمد طالب‌الحق نیز در زمان استبداد صغیر مردم را علیه مشروطیت تحریک می‌کرد. وی با تجدید مشروطیت به خراسان گریخت و با یوسف هراتی همدست شد (*مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد*، ۱۲۲).

یوسف هراتی و نایب اکبر، مستخدم کنسولگری روسیه، با تحریک سرکنسول روسیه و از همان مکان کنسولگری برای بازگشت محمدعلی میرزا فعالیت می‌کردند. سرپرسی سایکس، کنسول بریتانیا، اوضاع را به لندن گزارش داد و نتیجه این شد که یوسف هراتی و همکارانش از کنسولگری رانده شدند (سایکس، ۶۰۱/۲؛ نوایی، ۲۹۹؛ استادوخ،۲۱۷,۱-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق). کنسول روسیه در نامه‌ای به فرماندار ترکستان، شرکت اتباع روسی را در بحران مشهد را انکار نکرد و مدعی شد که با این حال نمی‌تواند و حق ندارد از رفتن آنها به مساجد جلوگیری کند (کاظم‌زاده، ٦٣٦). یوسف هراتی پس از اخراج از کنسولگری روسیه، وارد مسجد «میرهوا »شد. وی خواستار سلطنت محمد علی شاه است. در نتیجه عده‌ای را پیرامون خویش فراهم آورد. روس‌ها که نگران تأثیر سخنان مهیج و مرتجعانه او در بین مردم بودند، به بهانه این که جان اتباع روس در خطر است، بر تعداد سربازان اطراف حرم افزودند (ادیب هروی، ۱۷٦، سایکس، تاریخ ایران، ٦۰۳/۲؛ *مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد*، ۱۲٦). دولت به رکن‌الدوله (علی‌نقی میرزا)، حاکم خراسان دستور داد که شورشیان را متفرق کند. او به بهانه این که تعداد پلیس نظمیه اندک است و مدت زیادی است مواجب دریافت نکرده‌اند، اعلام کرد نمی‌توانند با اشرار برخورد کند (شریف کاشانی، ۷۰۵/۳؛ دولت آبادی، ۸۸). سرکنسول روسیه با مشاهده افزایش شمار اشرار، برای کارگزاری و حکمران خراسان پیام فرستاد که یوسف

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

هراتی از تحت حمایت ما خارج است و اکنون به همراه دیگر شورشیان به سمت مسجد گوهرشاد رهسپار شده‌اند، وی تأکید کرد اگر شما بخواهید از رفتن آنها جلوگیری نمایید مانعی ندارد (ادیب هروی، ۱۷۷؛ *مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد*، ۱۲٦؛ استادوخ،۱,۲۱۷-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق).

واکنش مقامات محلی به عملکرد اشرار

علی نقی میرزا فرزند شاهزاده محمدتقی میرزا از برادران ناصرالدین شاه، پنجمین رکن‌الدوله، در سال ۱۳۳۰ق، برای بار دوم حکمران خراسان شد (موتمن، ۲۳۲؛ سعادت نوری،۵۹۱). او که فردی سست و بی مسؤولیت و همدست روس‌ها بود پس از دریافت پیام کنسول روسیه با تعلل و تأمل بسیار، رئیس نظمیه «منشی نظام» را احضار کرد. منشی نظام هنگامی به نزد وی رسید که که اشرار وارد مسجد گوهرشاد شده بودند (ادیب هروی، ۱۷۷؛ دولت آبادی، ۸۸-۹۱؛ استادوخ،۱,۲۱۷-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق). شایع بود که رئیس نظمیه به ظاهر برای دستگیری اشرار می‌کوشد ولی در نهان با یوسف هراتی مرتبط است. رئیس نظمیه به طور رسمی عضو فرقه دموکرات بود ولی در عمل شخصی متزور و دشمن مشروطه خواهان بود (براون، ۱۷۸؛ *مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد*، ۱۲). مرتضی قلی خان، نیز که نخستین بار از سال ۱۳۲۹ق تا سال۱۳۳۳ق متولی آستانه و تنظیم صحن و حدود بست بر عهده او بود، اشرار را نصیحت و ممانعت نمی کرد. علما و تجار و اعیان شهر هم هر چه با اشرار مذاکره می‌کردند نتیجه‌ای نداشت. به نظر می‌آمد که نقشه و دسیسه‌هایی در کار بود (موتمن، ۲۳۳؛ شریف کاشانی، ۷۰٤/۳ ؛ دولت آبادی، ۹۰). طبق اظهارات مرتضی قلی خان، این بی‌نظمی و آشوب‌ها به نفع حکمران شهر بود. چون آخر سال بود و از طرف دولت برای اداره خراسان نیرالدوله تعیین شده بود، رکن الدوله تمایل داشت بحرانی به وجود آید تا در منصب خود باقی بماند (ادیب هروی، ۱۸۳). نایب علی اکبر و طالب‌الحق به مسجد گوهرشاد رفتند و یوسف هراتی با اتباعش وارد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

صحن جدید شدند (خراسانی، ٦٣٣). از این زمان روس‌ها رو به سمت صحن مطهر موضع گرفتند و برای درگیری آماده شدند (شریف کاشانی، ٧٠٤/٣).

بهانه شروع بحران

کار به جایی رسید که شورشیان از صحن خارج شدند و به اداره کمیسری نوغان هجوم بردند و «نایب حبیب» را که رئیس کمیسری و از اتباع خارجی بود کشتند، تمام اثاث آنجا را غارت کردند و رشته نظم به کلی از هم گسیخته شد (شریف کاشانی، ٧٠٤/٣؛ مدرس رضوی، ٢٢٩). بعد ازاین واقعه بهانه به دست روس‌ها افتاد. کنسول روسیه و فرمانده قشون قزاق‌ها، «ژنرال ردکو» متفرق کردن اشرار را در ظرف شش ساعت از رکن‌الدوله درخواست کرد و از آنجا که چنین اقدام فوری برای حاکم مشهد غیر ممکن بود از منصب خود استعفا کرد (*دایره المعارف آستان قدس رضوی*، ٣٠٥). روس‌ها اداره نظمیه مشهد را طبق نقشه قبلی در دست گرفتند و افراد پلیس را خلع سلاح و حکومت نظامی در شهر برقرار کردند (*مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد*، ١٣٣؛ مدرس رضوی، ٢٢٩). از آنجا که طالب‌الحق در سخنانش خطاب به مردم می‌گفت که روس‌ها با آنها همکاری دارند، بنابراین به بهانه شرارت‌ها ابتدا نظمیه را از مداخله در امور برکنار کردند و طبق برنامه از پیش طراحی شده، شرایط را برای دخالت هر چه بیشتر خود فراهم کردند.

بمباران حرم مطهر

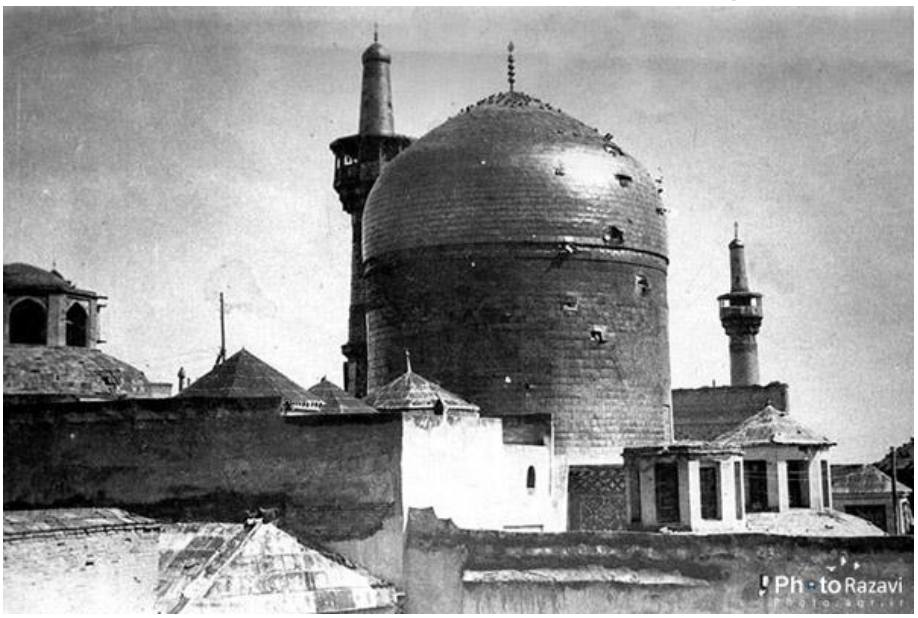
سربازان روسیه به دستور کنسول آن کشور، در دهم ربیع الثانی سال ١٣٣٠ ق حرم مطهر را محاصره کردند. روس‌ها از مکان‌های مختلف، گنبد مطهر را گلوله باران کردند. بهانه ظاهری متفرق نمودن اشرار بود (خراسانی، ٦٣٣ ؛کاظم‌زاده، ٦٤). اشرارکه عامل اصلی این مفاسد بودند در تاریکی شب از دروازه‌ای که در دست قشون روس‌ها بود گریختند بدون آن که آسیبی به یک نفر از آنها برسد و تنها شماری زوار و مردم بی‌گناه کشته و مجروح شدند (شریف کاشانی، ٧٠٥/٣؛ نوایی،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

۲۹۸). از میان شورشیان تنها طالب‌الحق دستگیرشد. متولی آستانه، یوسف هراتی را پس از فرار در قهوه خانه‌ای دید که روس‌ها در حال پذیرایی از او بودند (ادیب هروی، ۲۲۱).

خسارات وارد شده به حرم مطهر

سفارت ایران در لندن در تاریخ ۱۵جمادی الاول۱۳۳۰ق صفحه‌ای از ترجمه روزنامه «تایمز» را درباره بمباران مشهد، برای وزارت امورخارجه فرستاد. طبق گزارش این روزنامه، گلوله‌های شرپنلی۹۲عدد و گلوله توپ‌های بزرگ۲۰۰عدد ذکر شده بود. «...بیشتر گلوله‌ها به گنبد سبز مسجد می‌خورد ولی چند گلوله هم به گنبد طلائی مرقد خورد و بعضی از گلوله‌ها در صحن مسجد و پاره [ای]خارج از صحن ترکید...» (استادوخ،۲۱۲-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق).



www.tabnak.ir

ایوان‌ها و گنبد مطهر و رواق‌ها از گلوله توپ آسیب دید و درهای حجره‌های صحنین مسجد نیز شکسته شد (براون، ۱۷۸). متولی، تعداد گلوله توپ‌ها را ۲٤ عدد ذکر کرد ولی به گفته ملاهاشم خراسانی، تعداد آن، ۱۸عدد بود (*مشروطه گیلان از*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد، ١٤٤). به گزارش عین‌السلطنه (٣٦٨٣/٥) «جمعی قتیل، جمعی دستگیر و گلدسته حضرتی از توپ خراب شده. می گویند خزانه حضرت را هم روس‌ها غارت کردند و آنجا هنوز امن نشده‌است». طبق گزارش سایکس (تاریخ ایران، ٦٠٣/٢) خزانه حضرت که دارای نفایس و هدایای گرانبهای امرا و سلاطین و دیگر زائرین بود به بانک روسیه انتقال داده شد و پس از بازدید سایکس آنها را تحویل دادند، «هر چند که بعضی از آن اشیاء قیمتی وگرانبها را دستبرد زده و از بین برده بودند». در تلگرافی که از طرف وزارت داخله در تاریخ (١٣جمادی الثانی ١٣٣٠ ق) برای کارگزار مشهد فرستاده شد از وی در مورد علت اختلاف میان سخنان متولی باشی در مورد خسارات وارده به حرم و خزانه آنجا پرسش شد. زیرا متولی در تلگرافی که برای وزارت داخله فرستاد، مخارج تعمیرات ابنیه آستانه مقدسه را چهل وهشت هزار تومان برآورد کرده بود در حالی که خسارت وارده به کاشی‌های عباسی و موارد دیگر قابل جبران نبود، ولی این رقم را برای وزیر مختار روسیه ده هزار تومان تخمین زد. از این رو وزارت داخله از کارگزاری خواست که «محرمانه» از طریق متولی تحقیق کند و میزان خسارات ابنیه آستانه و اهالی و کسبه و مقدار جواهرات مفقود شده خزانه حضرت را گزارش دهد (استادوخ،٩٨-١-٢٣-١٣٣٠).

به گزارش وزارت داخله در تاریخ ٢٠ ربیع الاول١٣٣٠ق طبق شواهد به دست آمده به نظر می‌رسید که خسارات وارده به اموال و بناهای حرم حضرت خیلی زیاد بوده است و ظاهراً برآورد متولی حرم که میزان خسارات را ده هزار تومان ذکر کرده، تحت اجبار روسیه بوده است. از این رو از کارگزار خواست که شخصاً و محرمانه در مورد واقعه و خسارات، تحقیق کند (استادوخ،١٢٢-١-٢٣-١٣٣٠). دولت در مورد اظهارات متولی حرم تردید داشت، زیرا وی به مدت یک روز نزد روس‌ها توقیف بود و با تهدید از او و سایر روسای آستانه تعهد گرفتند که از اسباب آستانه هیچ چیزی به سرقت نرفته‌است (مدرس رضوی، ٢٣١؛ سایکس، تاریخ ایران، ٦٠٣/٢؛ دولت آبادی، ٩٢). در متن این تعهدنامه به تاریخ شنبه١٣ ربیع الثانی١٣٣٠ق

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

آمده است:

«...بهیچ چیز دست بردی نشده و چیزی بغارت نرفته مگـر جزئـی خرابـی...و بعـلاوه در حرم و اطاقهای اطـراف آن و خزانـه و دیگـر رواقهـای مقدسـه هـیچ چیـزی بـرده و سرقت نشده و بالتمام سالماً و صحیحاً بما تسلیم شـده اسـت...در اینمـدت سـه مـاه کـه در این شهر مشهد بهیچوجـه حـق هـیچکس را پایمـال نکردنـد و تمـام اهـالی از آنهـا کمال رضایت را دارند...» (استادوخ،۲۱٤-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق).

در تـاریخ ۲۳جمـادی الاول و یـک مـاه پـس ازجریـان بمبـاران حـرم، وزارت امـور خارجه صورت خسارات مالی و نفوس را کـه بـرای آن وزارتخانـه رسـیده بـود، بـرای کارگزاری مشهد فرستاد و ازکارگزاری سوال کرد کـه آیـا مـوارد منـدرج در گـزارش را تأیید می کنند؟ خسارات شـامل جعبـه نقـره ،زنجیرهـای نقـره درهـای صـحنین، طـوق بالای ضریح با بیست و هفت عـدد جـواهر شـامل یـک قطعـه زمـرد، جیقـه منقـوش و بعضی از چراغ‌ها در اطاق‌های آستانه و تعداد کشـتگان پانصـد و پنجـاه نفـر ذکـر شـده بود (استادوخ،۱۱۸-۱-۲۳-۱۳۳۰ ق). خازن‌الملک، نایـب الایالـه مشـهد کـه بـه تـازگی وارد مشهد شده بود، در تاریخ۲۰جمادی الاول۱۳۳۰در پاسـخ بـه تلگـراف‌هـای متعـدد دولت در خصوص رسیدگی هرچه سریع‌تر به موضـوع خسـارات ابنیـه حـرم و مسـجد و اموال مفقود شده و مسائل مرتبط با آن، از دولـت درخواسـت فرصـت بیشـتری بـرای بررسی دقیق‌تر کرد (استادوخ، ۱٦٤-۸-۲٤-۱۳۳۰).

نادرستی ادعاهـای منـدرج در مـتن تعهدنامـه و اجبـار و تـرس از روسـیه و صـوری بـودن ایـن سـند را اظهـارات شـاهدان عینـی، تصـدیق مـی‌کنـد. تلگـراف‌هـای بعـدی سرکشیک آستانه به وزارت امورخارجه نیز نادرستی اظهـارات اولیـه کارکنـان آسـتانه را نشان می‌دهد .به علاوه در تهاجم نظامی آن هم با تـوپ، قبـول ایـن کـه هـیچ خسـارتی طبق ادعای روس‌ها و مسئولان حرم مطهر به نفـوس و امـوال وارد نشـده اسـت، بسـیار بعید است. کارکنان حرم به دلیل ترس از روس‌هـا از افشـای صـورت واقعـی خسـارات خودداری می‌کردند به همین سـبب در تلگـراف‌هـای متـولی و سرکشـیک دوم آسـتانه، تناقض‌هایی وجود داشت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

کـارگزاری مشـهد گزارشـی بـه تـاریخ۱۲جمـادی الاول۱۳۳۰ق بـرای وزارت امـور خارجه فرستاد و تصریح کرد که متولی، چنـد نفـر را بـرای بازدیـد از همـه نقـاط حـرم مطهر و صحنین و مسجد فرستاده‌است و میزان خسارات بـالغ بـر چهـل و هشـت هـزار و یکصد و هفتاد تومان ذکر شده ولی در این مسـئله چنـد مـورد مشـکوک وجـود دارد. اولاً تمام کاشی‌های قدیمی کتیبـه‌هـا را کـه متعلـق بـه زمـان‌هـای گذشـته‌است، دیگـر نمی‌توان تهیه کرد. ثانیاً روس‌ها بـه بازدیـد معمـار اعتـراض دارنـد، زیـرا حـاج محمـد اسماعیل معاون الصنایع که مسئول معمارهـا بـوده از وابسـتگان کنسـول بریتانیـا اسـت. آنها دو دستگاه عمارت ییلاقی دارند که آن املاک متعلق بـه معـاون‌الصـنایع اسـت و بـا بریتانیا سال‌هاست در ارتبـاط اسـت و روس‌هـا معتقدنـد کـه معـاون‌الصـنایع را دولـت بریتانیـا فرسـتاده‌اسـت. ثالثـاً معـاون‌الصـنایع مبلـغ خسـارات را زیـاد بـرآورد کـرده تـا تعمیرات به او واگذار شود و بتواند برای خود مداخل (درآمـد اضـافه) کسـب کنـد، در حالی که مقداری از این خرابی‌ها از سـال‌هـا قبـل ایجـاد شـده و آنهـا را تعمیـر نکـرده بودند. قرار شد بازدید دیگری هـم انجـام گیـرد و ظـاهراً روس‌هـا هـم معمـار و ممیـز آوردند و کنسول روس مبلـغ خسـارات را دوازده هـزار تومـان تخمـین زد. زمـانی کـه وزارت داخله طی تلگرافی به متـولی دسـتور داد کـه هـر چـه زودتـر میـزان خسـارات وارده به حرم و متعلقات را مشخص کند و شروع به تعمیر نمایـد تـا مخـارج آن ارسـال شود، این حکم بی‌اندازه سبب گستاخی کارکنـان آسـتانه گردیـد و از رسـیدگی بـه ایـن مسئله خودداری کردند. درحالی که علت این پیشـامدها و محـرک اشـرار بـرای اجـرای مقاصد سوء، همین مسئولان آستانه و چند نفراز بزرگان شـهر بودنـد. بهتـر اسـت بـرای عبرت دیگران و جلوگیری از تصورات نادرست از طرف دولـت اخطـاری بـه آنهـا داده شود (استادوخ،۱۷۹-۸-۲٤-۱۳۳۰).

وزارت امـور خارجـه بـه سـبب تنـاقض گـزارش متـولی آسـتانه بـا گـزارش‌هـای کارگزاری، در مورد خسارت‌ها بـه «میرزااسـماعیل» سرکشـیک دوم آسـتانه نیـز دسـتور داد تا صورت خسارات حرم را ارسال کنـد. وی ازطریـق اشخاصـی کـه صـورت اشـیاء

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

خزانه حضرت در دست آنها بود تحقیق کرد و تلگراف رمز آن را به شماره ۱۲۸در تاریخ ۲۵جمادی الاول ۱۳۳۰ق برای وزارت امورخارجه فرستاد. ابتدا اشیاء مفقود را شامل دو قفل یکی طلا و دیگری نقره و یک قرآن خطی قیمتی که بعدًا در یکی از اطاق‌های آستانه پیدا شد ذکر کرد (استادوخ،٤٨-٨-٢٤-١٣٣٠ ق). وزارت امور خارجه در تکمیل تلگراف ۱۲۸به میرزااسماعیل دستور داد میزان خسارات اهالی و کسبه را نیز ازطریق پرس وجو از اهالی برآورد کند. ولی وی تحقیق از اهالی را قابل اعتماد نمی‌دانست و در پاسخ برای وزارت خارجه نوشت، آیا در چنین موقع حساسی می توان به گفته‌های مردم متکی بود و خسارات وارده را مشخص کرد؟ اگر به گفته مردم متکی شویم نصف این شهر، صورت خسارت خواهند داد و میزان خسارات را در حدود صدهزار الی دویست هزار برآورد خواهند کرد. و این مسئله برای دولت مشکل ایجاد خواهد کرد. مثلاً اشخاصی که در مغازه و حجره خود هشت تومان کالا نداشته‌اند، ادعای هزار تومان خسارت کرده‌اند و خسارات وارده به کسبه اطراف حرم و زوار را حدود دوازده الی پانزده هزار تومان برآورد کرد (استادوخ،١٦٥- ٨-٢٤-١٣٣٠). میرزااسماعیل مجدداً درتاریخ ۲۷جمادی الاول تلگرافی برای وزارت امورخارجه فرستاد که محتوای آن با تلگراف ۲۵جمادی الاول کاملاً متفاوت بود:

[۲۷جمادی الاول۱۳۳۰]استخراج تلگراف رمزمشهد

وزارت امورخارجه

«اغلب مسائلی را که سوال و رقم فرموده‌اند صراحتاً بعرض رسانیده حالا هم تجدید عرض میکنم مسئله جعبه نقره و قفل‌های طلا و نقره از این قرار است دو قفل نقره و یک قفل طلا در یک جعبه کوچک نقره مفقود شده که این روزها یکی از قفل‌های نقره دست یک زنی پیدا شد یک قفل نقره و یک طلا عجالتاً مفقود شده دو زنجیر کوچک نقره هم در جوف همان جعبه بوده مسئله جواهر منحصر به یک طوق شبیه مانندی است که در بالای ضریح مقدس آویزان بوده که دانه‌های آن بعضی اصلی بعضی بدل، یک انگشتر زمرد در میان آن طوق بوده که تقریباً دویست تومان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

قیمه داشته با بعضی از دانه‌ها که روی هم موافق تقریر متولی باشی و خازن‌التولیه ششصد تومان قیمه آنها بوده از چراغ‌ها یک چهل چراغ در سر مقبره از موتمن‌السلطنه شکسته و از جهت تحقیقاتی که شده چند جفتی چراغ سقفی قندیل[دار]در سر مقبره‌ها شکسته شده از چراغ‌های حرم و رواقها چیزی عیب نکرده اینکه رقم فرموده‌اند چهارصدوپنجاه گلوله توپ شلیک شده توپ شراپنل...صدوهشتاد تیر خالی شده‌است نوزده گلوله به گنبد مطهر خورده ...خرابی سر در ایوان و محل ساعت بزرگ و بادگیری شربت خانه و سر در صحن خیابان از همان گلوله‌های شراپنل است عده مقتولین از پنجاه نفر متجاوز نیست و عده مجروحین بطور دقیق سی و یک نفر و عده محبوسین بیست وسه نفراست.» (استادوخ،۱۸۳-۸-۲٤-۱۳۳۸ ق).

تعداد مقتولین در صحن و مسجد طبق برآورد شاهدان عینی ازجمله شیخ حسین بافقی حدود چهل الی پنجاه نفر بود (براون، ۱۷۵؛ *مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو*، *آشوب آخرالزمان*، ۲۲۷). از آنجا که اسناد واقعه بمباران حرم مطهر محرمانه بود و با وجود انتشار خبر این واقعه در جراید خارجی، دولت ظاهراً به دلیل نگرانی از بروز جنبشی اجتماعی در صورت آگاهی توده مردم ایران، از انتشار خبر جزئیات واقعه و میزان خسارت‌های مالی و نفوس خودداری کرد

انتخاب مکانی که از گذشته‌های دور طبق سنت بست نشینی به عنوان بست و حریم أمن جهت حفظ جان و مال مردم مطرح بود و جزء مکان‌های مقدس محسوب می‌شد برای پیشبرد اهدافی چون ترساندن توده مردم، آزادی خواهان و قدرت نمایی روسیه بود. و به هیچ وجه هدف روسیه مجازات متجاسرین و اشرار نبود و عاملان اصلی این آشوب گریخته ولی به جان و مال مردم بی‌دفاع و بناها و اموال حضرت آسیب و خسارت وارد شد و مشخص بود دولت روسیه مردم ایران را هدف قرار داده‌است نه اشرار را، زیرا مردم در سراسر ایران مخالف قرارداد۱۹۰۷م و ورود نیروهای بیگانه بریتانیا و روسیه به ایران بودند و چون طبق برنامه قرار بود پس از ایجاد بحران روس‌ها مداخله نظامی کنند و به ظاهر اشرار را متفرق نمایند، از همان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

ابتدا قدرت لازم را داشتند که مانع ورود اشرار به حرم مطهر شوند تا در صورت برخورد نظامی به سایر مردم و بناها آسیب نرسد ولی ممانعت از ورود اشرار را با توجه به این که می‌دانستند حکومت محلی توان نظامی لازم را ندارد به عمد به حاکم مشهد واگذار کردند.

دستورات وزارت امورخارجه ایران به کنسول روسیه درباره تغییر ندادن حدود و بست آستانه حرم

روس‌ها تا مدتی پس ازخروج از صحن نو باز هم با اسب و یا پیاده به صحن‌ها و مسجد عبور و مرور داشتند و فرمانده قزاق‌های روس اعلانی منتشر کرد که تا از تهران حدود بست معلوم نشود غیر از صحنین همه جا برای عبور روس‌ها آزاد است (*مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد*، ۱٤۱). نایب‌الأیاله مشهد (۲ ربیع الثانی ۱۳۳۰) برای وزارت خارجه نوشت، چون کنسول روس‌ها در حدود و بست حرم قصد تغییر داشته است مکرر با وزیر مختار روسیه در این خصوص صحبت کرده است و سفارت روسیه هم مخالف تغییر حدود بست بود (استادوخ،۱۲۳-۱-۲۳-۱۳۳۰). وزیر امور خارجه هم در تاریخ (۱۳جمادی الاول ۱۳۳۰) گزارش مذاکره خود را با سفارت روسیه برای حکمران مشهد فرستاد و در آن به سفارت روسیه متذکر شد که ورود به آستانه و بست مطابق رسوم برای غیر مسلمانان ممنوع است. همچنین از سفارت روسیه و از سن پطرزبورگ برای کنسول دستور اکید رسید که بر خلاف رسوم آستانه رفتار نشود (استادوخ، ۹۷-۱-۲۲-۱۳۳۰). به همین منظور وزارت امورخارجه در تاریخ ۲۳جمادی الاول ۱۳۳۰ به کارگزار مشهد دستور داد بررسی کند، آیا گزارش این که روس‌ها در حدود و بست تغییر داده‌اند و همچنان سواره و پیاده در صحن‌ها عبورمرور می‌کنند درست است یا خیر؟ (استادوخ،۱۰۱-۱-۲۳-۱۳۳۰). کنسول روسیه با وجود دستورات دولت ایران و سفارت روسیه در مورد تغییر ندادن حدود بست نه تنها موافقت نمی‌کرد، بلکه پیوسته مخالفت و کارشکنی می‌کرد. طبق گزارش میرزااسماعیل در تاریخ ۲۵جمادی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

الاول ۱۳۳۰ با وجود مذاکرات مفصل با کنسول روسیه ، وی به هیچ وجه حاضر نبود حدود بست را طبق رسوم ایران قبول کند. وی مدعی بود دلیلی ندارد که بازار سرپوشیده و نصف شهر داخل حدود بست باشد و تجارت اتباع روسیه به طور کامل به این دلیل مختل شود. وی بیان می‌کرد که ممکن است دوباره یکی از اشرار مانند یوسف هراتی در آنجا پناهنده شود و دولت ایران نتواند آنها را متفرق کند و برای احترام آن مکان، بست صحن‌ها و مسجد کافی است. بر اساس اظهارات کنسول روسیه، سربازان روس همچنان در بازارها عبور و مرور می‌کردند (استادوخ،۱۷٦-۸-۲٤-۱۳۳۰). مؤتمن‌السلطنه در تاریخ ۱۱رجب۱۳۳۰ق خطاب به وزیرامورخارجه نوشت که طبق گزارش آستان قدس، کنسولگری روسیه اعلانی منتشرکرده و فقط صحن‌ها و مسجد را جزو بست محسوب کرده و قشون روس در بازارها و اطراف حرم که در گذشته، جزو بست بوده با آزادی کامل حرکت می‌کنند و از وزیر خواست که حدود بست مانند گذشته برقرار باشد (استادوخ،۲۰۳-۸-۲٤-۱۳۳۰). به نظر می‌رسد دولت روسیه از هر موقعیتی برای نقض حاکمیت دولت ایران استفاده می‌کرد.

اوضاع مشهد پس از بمباران

عمارت‌های حرم تا سه روز پس از بمباران در دست روس‌ها بود و در همان نقاط مقدس مسکرات مصرف می‌کردند و اسب‌ها را هم در وسط صحن بسته بودند (*مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد*، ۱٤۱). در حدود سی مغازه آشکارا مشروب می‌فروختند و در قهوه خانه‌های عمومی و گوشه و کنار خیابان‌ها مشغول رقص و آواز بودند (*اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق ایران*، ۹۹-۹۸). روز بعد از بمباران ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق ژنرال ردکو در اعلامیه‌ای، گستاخانه دلایل اقداماتی که توسط ارتش روسیه انجام شد را چنین برشمرد:

۱- جمعی از اشرار، آستانه مقدس را مأمن خود قرار داده و به واسطه منافع شخصی باعث وحشت عموم مردم و مانع کسب کسبه شده بودند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

۲- به کمک قوه قهریه شهر مشهد منظم شد زیرا شهر به آشوب کشیده شده بود.

۳- ساکنین شهر باید به کارهای روزمره خود بپردازند و مشغول تجارت باشند.

٤- زیارتگاه مسلمین و اموال آن نه فقط دست نخورده بلکه به واسطه قشون دولت روسیه محافظت می شود.

۵-سرپیچی از این قانون عواقب سنگینی در پی خواهد داشت (*دایره المعارف آستان قدس رضوی*، ۳۰٦؛ ادیب هروی، ۲۲۹).

محتوای اعلامیه ردکو با اجبار و تهدید همراه بود و قدرت حکمران مشهد و دولت مرکزی را نادیده گرفته بود. روس‌ها مدعی بودند که گلوله به گنبد و مرقد مطهر نخورده است ولی عکسی که سایکس از گنبد گلوله باران شده گرفته بود خلاف گویی روس‌ها را ثابت کر(نوایی، ۲۹۹). سفارت ایران در لندن واکنش روزنامه‌های خارجی را در تاریخ ۱۵جمادی الاول۱۳۳۰ نسبت به بمباران حرم به وزارت امورخارجه گزارش داد. خبرنگار روزنامهNear East واقعه بمباران حرم مطهررا به طور دقیق بیان کرده بود و این نشان می‌داد که واقعه بمباران در خارج کشور نیز اهمیت بسیار داشت و ظاهراً به دلیل دخالت بریتانیا در امور ایران، اطلاعات این روزنامه حتی از منابع داخلی بیشتر بود (استادوخ،۲۱۳-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق).

طبق گزارش کارگزاری مشهد در ۱۲رمضان۱۳۳۰ق برای وزارت امور خارجه، کنسول روسیه بابت مخارج بیست و سه نفر از اشخاصی که تا زمان رسیدن نایب‌الأیاله مشهد توسط روس‌ها دستگیر و درصحن و مسجد زندانی بودند، مبلغ ۲۵۳۳ قران مطالبه کرده بود. ازاین مبلغ مقداری را اداره نظمیه مشهد پرداخت کرد و چون حکومت محلی بودجه کافی برای پرداخت بقیه مخارج، نداشت از تهران کسب تکلیف کرد (استادوخ،۱۳۱-۸-۲٤-۱۳۳۰ق). نیرالدوله حاکم جدید مشهد مجدداً درسنبلة/ شهریور۱۳۳۰ق تلگرافی برای وزارت داخله فرستاد. کنسول روسیه هم مخارج زندانیان صحن را مطالبه کرد و هم صورت حساب دیگری فرستاد و مدعی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

شد که پنج- شش هزار تومان اموال اتباع خارجی را در شورش مشهد به سرقت برده‌اند و به این ترتیب درخواست غرامت کرد (استادوخ،۲۰۵-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق). وزارت خارجه نیز برای پی‌گیری این مسئله به وزارت داخله دستور داد هر گونه که آن وزارتخانه صلاح می‌بیند پاسخ کنسولگری روسیه را بدهد (استادوخ،۱۲۳-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق).

عاقبت سرکردگان شورش

یوسف هراتی و بعضی از همراهانش پس از بمباران حرم به کوه‌های اطراف مشهد گریختند و چون یوسف، نزد کنسول بریتانیا از حق ناشناسی کنسول روسیه شکایت کرد و به این ترتیب راز ایجاد این آشوب توسط روسیه آشکار شد، به تشویق روسیه و به توسط حکومت محلی خراسان به قتل رسید (سایکس، تاریخ ایران، ٦۰۳/۲). طالب الحق به کربلا رفت و قوای عثمانی او را به جرم جاسوسی برای روسیه دستگیر کرده به دستور محکمه نظامی عثمانی تیرباران کردند (کمال‌زاده، ۱۷۸).

اهداف دولت های امپریالیستی روسیه و بریتانیا از بمباران حرم

کینه و نفرت مردم نسبت به عملکرد نادرست و مداخلات سرکوبگرایانه نظامی دولت روسیه تزاری در جنگ جهانی اول به صورت هواداری و پشتیبانی ملت ایران از نیروی عثمانی جلوه گر شد (شمیم، ٥٤۹). خاطره این عمل آن چنان درذهن مردم زنده بود که ضد کمونیست ها از آن برای مخالفت با شوروی استفاده می کردند (باوزانی، ۲٦۷). طبق نظر سایکس این جسارت و بی حرمتی برای روسیه در نهایت گران تمام شد زیرا مردم ایران از دولت روسیه متنفر گردیدند. «ما نیزکه با دشمنان آنان دست اتحاد داده بودیم از این بار بی‌نصیب نماندیم» (سایکس، تاریخ مختصر ایران، ۱۱۷). یکی ازاهداف روسیه کشاندن ایرانیان به درگیری مسلحانه بود و چون روس ها به برتری نظامی خود در ایران در برابر دولت و مشروطه خواهان مطمئن بودند به این وسیله بهانه لازم برای اشغال نواحی شمالی ایران به دست روس‌ها

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

ایجاد می‌شد. کشتار زوار و اهالی مشهد در حرم با این هدف انجام شد که کنسول روسیه و بریتانیا به مردم مشهد بفهمانند که طبق قرارداد ۱۹۰۷م امنیت مملکت ایران به دست قوای روسیه و انگلیس تأمین می‌شود و دولت مرکزی قادر به حفظ امنیت منطقه نیست (کمال‌زاده، ۱۷۹). «[روس ها]بمقاصد مکنونه خود که بدست آوردن عنان این مملکت بود موفق و نائل گردیدند» (استادوخ،۱,۲۱۷-۸-۲٤-۱۳۳۰ ق). دولت مشروطه با دو مسئله اساسی درگیر بود. یکی مشکلات مالی که بخشی از آن ناشی از تدارک سپاه و مهمات برای بیرون راندن محمد علی میرزا و برادرش سالارالدوله از ایران بود و دیگری نا امنی و نبودن ثبات سیاسی در کشور. روسیه تزاری که از سال‌ها قبل در اندیشه تسخیر ایران بود از هرج و مرجی که در اثر مشکلات دولت ایجاد شده بود استفاده کرد، آنها کمک فراوانی به محمدعلی میرزا می‌کردند و در نواحی شمالی کشور نیروهای ضد آزادی را علیه نیروهای دولتی تقویت کردند. در واقع جریان یوسف هراتی برای از میان بردن دولت مشروطه یا حداقل تضعیف آن بود. روسیه از هر موقعیتی برای ایجاد بحران و بهانه برای مداخله در امور داخلی ایران استفاده می‌کرد. از این تاریخ تا شروع جنگ جهانی اول، کشور در حالت بحران و تحت فشار قشون بیگانه به سر می‌برد (شمیم، ٥٤٣-٥٤٩؛ مهدوی، ٣٤٢).

دولت بریتانیا با این که مخالف اقدامات روسیه بود، برای جلوگیری از آن روس‌ها اقدامی نکرد، زیرا بیم داشت که در صورت ابراز مخالفت علنیف زمینه نزدیک‌تر شدن روسیه و آلمان را که قبلاً طی معاهده «پوتسدام»، صورت گرفته بود، فراهم کند. از نظر سرادواردگری وزیرامورخارجه بریتانیا، تا زمانی که قطعه‌ای از خاک ایران به صورت رسمی به روسیه ضمیمه نشده بود و مادام که دولت ایران علناً از بین نرفته بود، روسیه در منطقه نفوذ خود، آزاد بود (مهدوی، ۳۳۹؛ کاظم‌زاده، ٦٤١).

نتیجه

روس‌ها که طبق قرارداد۱۹۰۷م قسمت‌های شمال ایران را مناطق تحت نفوذ خود

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

می‌دانستند، به ایجاد هرج و مرج و ناامنی و کشتار در مناطق تحت اشغال پرداختند. دولت روسیه با استفاده از ضعف نظامی دولت مرکزی که ناشی از مشکلات مالی، بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی بود، شروع به دسیسه چینی در مشهد کرد. طبق شواهد موجود در اسناد وزارت امور خارجه، کنسول روسیه ابتدا چند نفر از مستخدمان خود را به ایجاد آشوب و اغتشاش در مشهد تشویق کرد و سپس به بهانه حفظ جان و مال اتباع خود و سرکوب اشرار، در امور داخلی ایران، مداخله نظامی کرد. این اسناد ثابت می‌کند که ۱- واقعه بمباران حرم مطهر امام رضا علیه السلام ناشی از ضعف دولت ایران، سوء استفاده دولت روسیه از این ضعف، همکاری‌های پنهانی حاکم خراسان و برخی مسئولان حرم رضوی با روس‌ها و دخالت بریتانیا در برآورد خسارت‌ها، بود. ۲- برخلاف ادعای روس‌ها، بمباران حرم مطهر امام رضا علیه السلام، پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشت. این ماجرا از نظر سیاسی موجب تضعیف حیثیت و اعتبار دولت مرکزی در برقراری ایجاد نظم و امنیت شد. در ادامه نیز روس‌ها همچنان به مداخله در امور داخلی کشور و تغییر در حریم و حدود بست پرداختند و با رفتار اهانت آمیز از جمله شرب مسکرات در اماکن عمومی مشهد و بستن اسب‌هایشان در صحن‌های حرم، نمایشی از قدرت خود را به اجرا گذاشتند. از نظر اقتصادی بمباران حرم، خسارات جبران ناپذیری به ابنیه و آثار تاریخی حرم، مسجد گوهرشاد و اموال خزانه امام رضا علیه السلام وارد کرد. دولت روسیه در حالی که کارگردان و مجری این دسیسه بود، بابت نگهداری افرادی که دستگیر کرده بود و همچنین اموال مفقود شده اتباعش، از دولت ایران غرامت می‌خواست. به لحاظ اجتماعی بمباران موجب نگرانی و ترس مردم، جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی آنها و کشته و زخمی شدن تعدادی از زوار بی‌گناه گردید. در واقع بمباران حرم امام علیه السلام نه علیه آشوب طلبان، بلکه دسیسه‌ای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه دولت و ملت ایران بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

منابع

ـ ادیب هروی، محمدحسن، *حدیقه الرضویه یا تاریخ مشهد*، مشهد: انتشارات خراسان، ۱۳۲۶.

ـ اعتمادالسلطنه، محمدحسن، *منتظم ناصری*، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۷.

ـ باوزانی، الساندرو، *ایرانیان*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۵۹.

ـ براون، ادوارد.گرانویل، *نامه‌هائی از تبریز*، ترجمه حسن جوادی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱.

ـ بهار، محمدتقی، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲.

ـ خراسانی، محمدهاشم، *منتخب التواریخ*، تصحیح و حواشی ابوالحسن شعرانی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۵۲.

ـ دایره‌المعارف آستان قدس رضوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۳.

ـ دولت آبادی، علی محمد، *خاطرات سید علی محمد دولت آبادی*، گردآورنده حسام‌الدین دولت آبادی، تهران: انتشارات ایران و اسلام، ۱۳۶۲.

ـ سالور، قهرمان میرزا، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.

ـ سایکس، سرپرسی.مولزورث، *تاریخ مختصر ایران*، ترجمه ح. سعادت نوری، اصفهان: انتشارات عرفان، بی تا.

ـ همو ، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: چاپخانه رنگین، ۱۳۳۰.

ـ سپهر، محمدتقی، *ناسخ التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

ـ سعادت نوری، حسین، «رکن‌الدوله‌ها»، *مجله وحید*، شماره هفتم، سال چهارم، ۱۳٤٦.
ـ شریف کاشانی، محمدمهدی، *واقعات اتفاقیه روزگار*، تهران: انتشارات تاریخ ایران، ۱۳٦۲.
ـ شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: انتشارات مدبر، ۱۳۷۵.
ـ کاظم زاده، فیروز، *روس و انگلیس در ایران*، ترجمه منوچهرامیری، تهران: انتشارات کتاب های جیبی، ۱۳۷۱.
ـ کمال زاده، ابوالقاسم، *دیده ها و شنیده ها*، به کوشش مرتضی کامران، تهران: انتشارات البرز، ۱۳۷۰.
ـ مدرس رضوی، محمدتقی، *سالشمار وقایع مشهد در قرن پنجم تا سیزدهم*، به کوشش ایرج افشار، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
ـ *مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد در ۱۳۳۰هـ.ق*، به کوشش : محمد روشن، رشت: چاپخانه حیدری، ۱۳۵۲.
ـ *مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو ،آشوب آخرالزمان*، به کوشش محمد روشن، رشت: انتشارات طاعتی، ۱۳٦۸.
ـ موتمن، علی، *تاریخ و توصیف دربار ولایتمدار رضوی*، بی‌جا: چاپخانه بانک ملی، ۱۳٤۸.
ـ هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷.
ـ نوایی، عبدالحسین، *دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۳۵.

اسناد منتشر شده

ـ *اسناد حضور دولت های بیگانه در شرق ایران*، به کوشش الهه محبوب فریمانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]

ـ ترکمان، محمد، *اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
ـ *کتاب آبی گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران*، به کوشش احمد بشیری، تهران: انتشارات نو، ۱۳٦٦.

اسناد اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، (استادوخ)

ـ ۱۳۳۰-۲۳-۱-۹۸
ـ ۱۳۳۰-۲۳-۱-۱۲۲
ـ ۱۳۳۰-۲٤-۸-۱۷۹
ـ ۱۳۳۰-۲٤-۸ - ۱٦٥
ـ ۱۳۳۰-۲٤-۸-۱٦٦
ـ ۱۳۳۰-۲۳-۱-۱۰۷۱
ـ ۱۳۳۰-۲۲-۱-۱۲۳
ـ ۱۳۳۰-۲۲-۱-۹۷
ـ ۱۳۳۰-۲٤-۸-۱۷٦

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.5.7]